

فقیه سربدار

شیخ فضل‌الله نوری از علمای بزرگ به‌شمار می‌آید که در نهضت مشروطه از پایه‌گذاران آن بود.



شیخ فضل‌الله نوری از علمای بزرگ به‌شمار می‌آید که در نهضت مشروطه از پایه‌گذاران آن بود. بعد از اینکه در آن انحراف دید، پیشنهاد «مشروطه مشروعه» داد تا در قانون اساسی ایران نسبت به مذهب جعفری(ع) و اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس شورای ملی، اهتمام شود. وی وقتی از ورود شریعت در قانون اساسی ناامید شد، مشروطه را حرام اعلام کرد و هزینه این مخالفت، از دست دادن جاننش در پای چوبه دار شد تا برای همیشه، جزو سربداران واقعی مکتب تشیع و ایران اسلامی باشد.

به گزارش ایکنای آذربایجان شرقی، آیت الله شیخ فضل‌الله نوری روز دوم ذی الحجه سال ۱۲۵۹ ه.ق در روستای «له شک» در منطقه کجور مازندران چشم به جهان گشود. پدرش از روحانیان صالح و مورد اعتماد به حساب می‌آمد. او زندگی خویش را وقف خدمت به مردم و رفع مشکلات دینی و اجتماعی آنان کرده بود. او دوران کودکی را در محیط باصفا و هوای پاک و دل‌پذیر جنگل‌های سرسبز شمال سپری کرد و تحصیلات ابتدایی را در «بلده» مرکز منطقه نور گذراند. شیخ پس از پایان تحصیلات ابتدایی، به تهران هجرت کرد و دوره سطح حوزه را در محضر استادان آن سامان گذراند. سپس برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفت و از محضر استادان بزرگی چون میرزا حبیب‌الله رشتی، شیخ راضی و میرزای شیرازی بهره‌ها برد. به میرزای شیرازی چنان علاقه پیدا کرد که با او به سامرا رفت.

شیخ نسبت به علوم زمان و رویدادهای عصر آگاهی داشت و هرگاه احساس می‌کرد چیزی را که باید بداند، به یادگیری آن همت می‌گماشت. علاوه بر تدریس و ارشاد و رسیدگی به امور مردم و قضاوت، در کار تألیف و رسائل فقهی و اصولی و فلسفی و سیاسی و نیز در تصحیح و تحشیه کتاب‌های معروف و معتبر علمای گذشته اهتمامی فراوان داشت. شیخ فضل‌الله در زمانی که ایران آمد که استعمار انگلیس با عقد قراردادهایی از قبیل سیم تلگراف، راه شوسه، راه آهن سازی، بانک شاهی و امتیاز داری با وارد کردن کالاهای غربی می‌کوشید تا با نفوذ فرهنگ غربی بیشترین بهره را از منابع و منافع کشور عاید خود کند. شیخ پس از بررسی اوضاع و احوال کشور در صدد مقابله با نفوذ فرهنگی بیگانه برآمد. اقدامات شیخ مصادف با فعالیت‌های ملوک‌خان‌ناظم‌الدوله بود که پایه‌گذار فراماسونری در ایران بود. شیخ با هوشیاری دریافت که نفوذ فرهنگی استعمار ارکان دین و استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را تهدید می‌کند. بنابراین در فعالیت‌های خود مردم را به دوری از مظاهر کفر و پیروی بیگانگان فرا می‌خواند.

جنبش تنباکو یکی از اصیل‌ترین و مردمی‌ترین حرکت‌های اجتماعی، سیاسی ایران در دوران استبداد است. در زمانی که اروپا بعد از رنسانس پله‌های ترقی را می‌پیمود، برای بهره‌گیری از امکانات و منابع کشورهای جهان سوم از طرق مختلف سعی در تسلط بر آن‌ها داشت. از جمله این فعالیت‌ها گرفتن امتیاز انحصاری دخانیات از سوی کمپانی انگلیسی در سال ۱۳۷۰ است، که غیر از زیان‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی، استقلال سیاسی ایران را نیز نقض می‌کرد. شیخ فضل‌الله نوری به عنوان یکی از چهره‌های پیش‌تاز و مجتهدان پایتخت، نفوذ اجتماعی و بصیرت سیاسی مذهبی خویش را در پیشبرد هرچه بیشتر این جنبش به کار گرفت. او در نهضت تنباکو شرکت فعال داشت و علاوه بر اینکه به عنوان رابط بین تهران و سامرا، مرکز تشیع در آن دوره عمل می‌کرد و میرزای شیرازی را از اخبار و اوضاع ایران آگاه می‌کرد، به آگاه کردن جامعه و حمایت از میرزای آشتیانی می‌پرداخت و هنگامی که شاه تصمیم به تبعید میرزای آشتیانی گرفت، اولین عالمی بود که در حمایت از میرزای آشتیانی به منزل او رفت و از این زمان به عنوان شخصیت دوم نهضت تنباکو در تهران شناخته شد. فتوای تاریخی میرزای شیرازی در تحریم تنباکو نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود؛ حرکتی که همزمان علیه استبداد داخلی، استعمار خارجی و غرب‌زدگی فرهنگی قد علم کرد. این رویداد که مقاومت منسجم مردمی علیه استعمار انگلیس بود، بعد ها به الگویی برای جنبش‌های بعدی مثل نهضت مشروطه تبدیل شد.

شیخ فضل‌الله نوری در تأسیس عدالت‌خانه و جنبش روحانیت و تدوین قانون اساسی نقش عمده‌ای داشت. او حوادث جنبش عدالت‌خواهی را نتیجه بحران‌های سیاسی و اقتصادی و فقر عمومی و ستم‌درباریان و هرج و مرج و بی‌قانونی و بی‌لیاقتی زمامداران و نفوذ بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های مهم می‌دانست و از قیام مردم برای اصلاح کمبودهای کشور حمایت می‌کرد. هنگامی که مبارزات در حال رشد و گسترش بود و تغییر نظام حکومتی کشور قطعی به نظر می‌رسید، انگلیس به وسیله فراماسونرها و روشنفکران وابسته، در میان مبارزان و برخی رهبران نهضت نفوذ کرده، به پخش شایعه احتمال حمله دولت به مردم پرداخت و با این کار، زمینه را برای پناه بردن به سفارت انگلیس آماده کرد. این کوشش‌ها موجب شد تا فکر تحصن در سفارت بین مردم رواج یابد. سرانجام با کوشش فراماسون‌های بازار و جمعی از روشن‌فکران تحصن در سفارت آغاز شد. شیخ فضل‌الله از بدو آغاز بحث تحصن با آن مخالفت کرد و مردم را از تحصن در سفارت بازداشت.

مجلس تدوین قانون اساسی، بعد از صدور فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین‌شاه تشکیل شد. با توجه به ترکیب اعضای مجلس اختلافاتی بین علما و روشن‌فکران به وجود آمد. روحانیان که خواهان اسلامی بودن و شرعی بودن قوانین بودند با خواسته‌های روشنفکران غرب‌زده و فراماسون‌ها که خواستار قانونی همسان کشورهای غربی بودند، به مخالفت برخاستند. اکثر مجلس در دست روشنفکران وابسته و فراماسون‌ها بود، به طوری که از شانزده نماینده تهران سیزده نفر فراماسون بودند. شیخ با وجود اعتراض قبلی به همراه بهبهانی و طباطبایی در جلسات مجلس شرکت کرد تا شاید بتواند جلو تصویب قوانین غیر اسلامی را بگیرد. ولی فراماسون‌ها عنوان نظام را مشروطه قرار دادند. شیخ فضل‌الله نوری وقتی این وضع را دید، تصمیم به مقاومت گرفت و برای اصلاح وضع، اصل نظارت فقها بر قوانین مجلس را پیشنهاد کرد. این پیشنهاد با مخالفت روبه‌رو شد و او به نشان اعتراض مجلس را ترک کرد و از آن هنگام سیل تهمت‌ها علیه او جاری شد.

شیخ فضل‌الله نوری و یارانش برای ترویج دیدگاه‌های خود اقدام به انتشار روزنامه کردند. مجلس با انتشار دیدگاه‌های مخالفان خود مخالف بود. در پی اعمال فشار از سوی مجلس هیچ کدام از چاپخانه‌های تهران حاضر به چاپ لوايح شیخ نشدند و آنها مجبور به خرید چاپخانه و چاپ نشریه شدند. بعد از فتح تهران، مخالفان شیخ فرصت را غنیمت

شمرده، واهمه خود از روشنگری های شیخ را در میان سردمداران حاکم مطرح ساختند. در منزل سپهدار تصمیم به اعدام شیخ گرفته شد. بیپریم خان بر جنایت اصرار داشت و سپهدار راضی بود و سردار اسعد بختیاری هم سکوت کرد. سرانجام، در ۱۱ مرداد ۱۲۸۸ جمعی از مبارزان مشروطه به خانه شیخ ریختند و او را کت بسته و با درشکه به میدان توپخانه تهران آوردند و در یکی از اطاق های طبقه فوقانی میدان محبوس کردند. شیخ از زمان محبوس شدن تا لحظه اعدام، خونسردی و متانت خود را حفظ کرد و هیچ ضعفی از خودش نشان نداد.